

## بررسی و واکاوی شاخصه‌های دیپلماسی سیاسی عصر اشکانی

افسانه معتمد<sup>۱</sup>

احمد کامرانی فر<sup>۲</sup>

ناصر جدیدی<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۲۳

### چکیده

پس از روی کار آمدن سلسله اشکانی در ۲۴۷ ق.م مناسبات ایران با همسایگان و دولت‌های آن روز شکل جدیدی به خود گرفت. این دولت نوپا در همان اوان تأسیس مبارزات و تصادمات گسترده‌ای را برای به دست آوردن سلطه بر مرز و بوم ایران با اقوام مهاجم، دولت سلوکی و امپراتوری روم آغاز کرد. اشکانیان با استفاده از دیپلماسی در حفظ مرزهای سیاسی خود و کسب امتیازهای اقتصادی و سیاسی، موفقیت‌های گوناگونی را به دست آوردند. این پژوهش با استفاده از روش بررسی تاریخی مبتنی بر گردآوری اسناد و مدارک تاریخی، در پی پاسخ به این مسئله است که دیپلماسی شاهنشاهی اشکانی چگونه و بر مؤلفه‌هایی استوار بوده؟ و چه نقش و جایگاهی در رویکردهای سیاسی و اقتصادی این سلسله داشته است؟. رهیافت این پژوهش این است که اشکانیان با ابزارهایی مانند مذاکره از طریق سفرای خود و انعقاد معاهدات سیاسی و اقتصادی تمامیت ارضی خود را حفظ نموده و از سود سرشار حاصل از تجارت توانستند به تجهیز سپاه و ادامه نبردهای استراتژیک خود بپردازند.

**کلید واژه‌ها:** دیپلماسی، روابط سیاسی، روابط اقتصادی، اشکانیان، امپراتوری روم و چین.

<sup>۱</sup> - دانشجوی دکتری، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، اصفهان (motamedafsaneh@gmail.com)

<sup>۲</sup> - استادیار، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، اصفهان (najaf.dr.kamranifar@gmail.com)

<sup>۳</sup> - استادیار، گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، اصفهان (jadidi-naser@yahoo.com)

## مقدمه

واژه دیپلماسی Diplomaci در اصل از فعل یونانی دیپلم diplum گرفته شده است که به معنای تا کردن است. دیپلماسی به معنای روابط سیاسی رسمی متقابل میان دول در حال صلح در جهت دستیابی به امتیازات بیشتر از طریق مذاکرات، وعده‌ها، تهدیدات و مبادلات مختلف به منظور حمایت از شهروندان خود و فعالیت‌های آنان در سرزمین بیگانه و همچنین کسب اطلاعات و اخبار از موقعیت دول دیگر و کوشش در حل و فصل مسایل مشترک می‌باشد.» (میرزاصالح، ۱۳۵۶: ۱، ۱). به تعبیر دیگر اصطلاح دیپلماسی از نوشته‌های دولتی یا اعتبارنامه‌هایی گرفته شده که فرستاده‌ها یا سفرای بیگانه تسلیم فرمانروایان می‌کردند و آن‌ها را در عمل کردن به نام فرمانروایان‌شان صاحب اختیار نشان می‌داد(واتسون، ۱۳۸۵: ۱۲۸) در اصطلاح امروزی می‌توان گفت دیپلماسی ترتیبیاتی مربوط به مذاکراتی است که میان مأمورین رسمی که نماینده دولت خود می‌باشند و نمایندگان دولت یا دولت‌های دیگر صورت می‌گیرد(ارگانسکی، ۱۳۴۸: ۴۴۱).

دیپلماسی در تاریخ ایران و جهان پیشینه‌ای کهن دارد. با سقوط دولت ماد و روی کار آمدن شاهنشاهی هخامنشی توسط کوروش بزرگ، شاهان هخامنشی برای جلوگیری از جنگ‌ها و محافظت از سرزمین‌ها و توسعه‌طلبی بیشتر به ویژه در دولت- شهرهای آسیای صغیر به روابط دیپلماسی نیز روی می‌آوردند. اشکانیان که از پایگاه قومی و قبیله‌ای استواری در دشت‌های آسیای مرکزی برخوردار بودند، از همان نواحی تلاش خود را به منظور برپایی دودمان شاهی تازه آغاز کردند. تلاش به منظور گردآوری سپاه و تجهیز نیرو جهت بیرون راندن سلوکیان از ایران سالیان متمادی به درازا کشید. سرانجام نسل اول شاهان اشکانی توانستند ضمن ایجاد یک خاندان شاهی بر مبنای قبیله اشکانی، سیطره سلوکیان را در هم بشکنند حریف نیرومندی برای امپراتوری روم گردند. این سلسله پس از تأسیس در سال ۲۴۷/۲۴۸ ق.م دست به یکسری توسعه‌طلبی‌ها زد و با دولت‌هایی مانند یونانی باختری، اقوام سکایی، سلوکی‌ها و رومی‌های درگیر شد. این درگیری‌ها تا پایان شاهنشاهی اشکانی امتداد پیدا کرد و نقش مهمی در تضعیف و براندازی سلسله ایفاء نموده است. در کنار این این منازعات و کشمکش‌های سیاسی البته روابط تجاری و دیپلماسی جاری بود که بعضاً به حل و فصل مناقشات مرزی، مسئله جانشینی و انعقاد قراردادهای تجاری نیز منجر می‌گردید. از این رو بود که دیپلماسی

مورد توجه شاهنشاهان اشکانی قرار می‌گرفت، تا بتوانند با بهره‌گیری از روابط فی مابین به سیاست‌های خود جامعه‌ی عمل ببوشانند و مانع از پراکندگی و تسخیر سرزمین‌های پیرامونی گردند.

### روش تحقیق:

روشی که در این پژوهش مورد استفاده واقع شده است، روش بررسی تاریخی مبتنی بر گردآوری اسناد و مدارک تاریخی است.

### پیشینه پژوهش:

همان‌طوری که درباره‌ی سلسله اشکانی و سیاست‌های آن پژوهش‌های اندکی انجام شده است، به تبع آن نیز در زمینه دیپلماسی آن‌ها تنها اشارات جزئی و پراکنده در منابع و مأخذ آمده است. باید اذعان داشت که تا پیش از نگارش این مقاله تحقیق منسجم و به طور خاص در مورد دیپلماسی اشکانیان به زبان فارسی صورت نگرفته است. از این رو نگارنده این پژوهش درصد برآمد کاری نو و بدیع در این زمینه ارائه دهد. در میان منابع لاتین اثر بسیار خوبی که به این مقوله پرداخته است، Duncan B. Cambell نویسنده انگلیسی و متخصص جنگ‌های یونان و روم است که به دیپلماسی روم و اشکانی در قرن اول میلادی پرداخته است. از آن جایی که نویسنده حوادث بعد از این قرن را مورد واکاوی قرار نداده است، این تحقیق نیز به لحاظ جامعیت و کاربردی که در ادوار بعدی شاهنشاهی اشکانی دارد، دارای مزیت و کاربرد بیشتری در زمینه دیپلماسی اشکانیان با دولت‌های آن روز است

### دیپلماسی اشکانیان از آغاز تا روی کار آمدن مهرداد یکم

پس از سقوط شاهنشاهی هخامنشیان در ۳۳۰ ق.م و روی کار آمدن دولت سلوکی و پس از آن سقوط این سلسله به دست اشکانیان، دولت اشکانی درصدد دستیابی به تصرف سرزمین‌ها، شهرها و راه تجاری برآمد. از این رو در نخستین اقدام پس از تأسیس به لشکرکشی به بین‌النهرین و سرزمین ماد باستانی همت گماشتند. اشکانیان زمانی پا به عرصه قدرت گذاشتند که غباری از فراموشی بر نام ایران به دلیل تسلط اسکندر و جانشینانش با تکیه بر فرهنگ هلنیزم سایه افکنده بود و دولت‌مردان جدید برای تیره و تار کردن فرهنگ کهن ایرانی تلاش می‌کردند. در دوران حکومت اشکانیان نیز به

مانند حکومت هخامنشی تسامح دینی و سیاسی وجود داشت. اشکانیان در اداره سرزمین‌های تحت تملکشان سیاست پادشاهان پیشین را راهنمای راه خود قرار دادند. اشکانیان مناطقی را که به تصرف در می‌آوردند در اداره مناطق تحت سلطه‌شان آزاد می‌گذاشتند. پادشاهان این سلسله شاهک‌ها و فرمانروایان دیرین را همچنان بر سر کار باقی گذاشتند و فقط از آنان می‌خواستند که سروری حکومت مرکزی را به رسمیت بشناسند و به آن خراج بپردازند (عنایت، ۱۳۷۸: ۵۵). تسامح مذهبی در ارتباط با تسامح سیاسی آنان نیز دیده می‌شود آنان به دولت‌های کوچک محلی اختیارات خوبی برای اداره امور خویش می‌دادند و کمتر در شرایط دینی و سیاسی آنان مداخله می‌کردند (محمودآبادی، ۱۳۹۳: ۱۰۹). این که چگونه شاهان این سلسله توانستند علی‌رغم همه مشغله‌های نظامی و اقتصادی داشته‌اند از عهده‌ی مهار شاهک‌های محلی برآمده باشند و توانسته‌اند آن‌ها را قریب به پانصد سال تحت سیطره داشته باشند، می‌توان این مسئله را به دیپلماسی قوی آن‌ها در زمینه ارتباط و سلطه سرزمینی مربوط دانست

ارشک در شرایطی اقدامات خود را به مرحله اجرا گذاشت که وضعیت ایران به دلیل لشکرکشی اسکندر شرایط متفاوتی داشت. با توجه به خطراتی از سوی سلوکیان مناطق ایران را تهدید می‌کرد، اشک ناچار بود خود را یکسره وقف استحکام دولت خویش سازد. زمانی که سلوکوس دوم به منظور سامان دادن به امور داخلی قلمرو خود لشکرکشی به ایران را برای باز پس‌گیری ایالات از دست رفته و تسلط مجدد بر راه تجاری مهمی که مدیترانه را با خاور نزدیک پیوند می‌زد عملی ساخت، ارشک در برابر این اقدام وی به همان تاکتیکی متوسل گردید که اشکانیان بعدها نیز این تاکتیک را به کار بستند. ارشک از ایران عقب‌نشینی کرد و به قبایل ساکن در شمال مرز ایران پناه برد. تنها راه مناسب برای سلوکوس اتحاد او با دیودوتوس یکم، شاه یونانی - باختری بود. اما مرگ دیودوتوس و تغییر سیاست جانشینش دیودوتوس دوم که با ارشک متحد شد، اوضاع را به زیان سلوکوس دوم به پایان رساند (ولسکی، ۱۳۸۴: ۸۱).

در زمان پادشاهی فرهاد دوم بود که آنتیوخوس هفتم پادشاه سلوکی لشکرکشی خود را به ایران آغاز نمود. در ابتدا فرهاد در برابر سپاه آنتیوخوس قدرتمند عمل نکرد، آنتیوخوس به فرهاد شرایط

۱. شیوه تاکتیکی نبرد اشکانیان که باران تیر بر سر دشمن می‌باریدند و تا فاصله‌ای که امنیتشان تضمین می‌شد عقب می‌نشستند و این کار را تا زمانی که دشمن را به ستوه در می‌آوردند ادامه می‌دادند. سپس با سواره نظام سنگین اسلحه ضربات کارساز خود را بر دشمن وارد می‌کردند.

صلحی را پیشنهاد کرد. در این میان اقوام سکایی که بنا بود به یاری فرهاد بیایند به موقع نرسیدند. در نتیجه وی شکست خورد و فرهاد دوم سفیری به نزد آنتیوخوس برای بستن معاهده صلح فرستاد (مشکور، بی تا: ۱۶) از جمله شرایط تحویل دادن آنتیوخوس، دست کشیدن اشکانیان از تمام مناطق متصرفی پارتیان به جز پارت و هیرکانیه و فرهاد خود را دست نشانده سلوکیان بداند و به روم خراج بپردازد، بود که فرهاد این شرایط را نپذیرفت و به نبرد با سلوکیان ادامه داد. آنتیوخوس برای تسهیل تدارکات و تامین آذوقه سپاه، ارتش خود را در پایگاه‌های زمستانی شهرهای مختلف پراکند، اهالی این شهرها با دشواری می‌توانستند بار سنگین وجود سربازان لگام گسیخته را تحمل کنند. بدین گونه فرهاد فرصت را غنیمت شمرد و از این اوضاع استفاده کرد و به یاری تبلیغاتی ماهرانه ساکنان این شهرها را به هواداری از خود برانگیخت. وی پس از شکست آنتیوخوس سپاه او را به ترکیب سپاه خود افزود (ولسکی، ۱۳۸۴: ۹۹). می‌توان گفت مهمترین موفقیت فرهاد دوم خاتمه دادن تسلط سلوکیان برای همیشه بر ایران بود.

مهرداد یکم از آن‌جا که یونانیان از سلوکیان حمایت می‌کردند نسبت به آنان بی اعتماد بود و سیاست محتاطانه‌ای در برابر آنان در پیش گرفت (ولسکی، ۱۳۸۴: ۱۲۱). مهرداد یکم در جنگی سریع، بابل و بین‌النهرین و سلوکیه در کنار دجله را تصرف کرد. این شهرها و آبادی‌ها بر کشاورزی و بازرگانی تکیه داشتند (کالج، ۱۳۶۷: ۲۵). با جنگ‌های مداوم اشکانیان و سلوکیان و تصرف منطقه بین‌النهرین و تسخیر سرزمین ماد باستانی مسیر تازه‌ای به روی اشکانیان گشوده شد و وحدت و یکپارچگی در سراسر ایران تحقق یافت (دیاکونف، ۱۳۷۸: ۶۲).

### روابط دیپلماسی شاهنشاهی اشکانی از مهرداد یکم تا روی کار آمدن بلاش یکم

پس از این حوادث در سال ۹۶ ق.م نخستین روابط دیپلماتیک میان شاهنشاهی اشکانی و روم شکل گرفت. این زمانی است که لوکیوس کورنلیوس سولا<sup>۱</sup> بعد از تسلط بر غرب آناتولی، برای نخستین بار با اشکانیان ارتباط برقرار کرد و درصدد برآمد با پادشاه اشکانی عهدنامه‌ای امضاء کند و به این ترتیب از طرفداری اشکانیان به مهرداد پونتی جلوگیری نماید. به این ترتیب مهرداد دوم سفیری نزد سولا فرستاد تا با رومیان قرارداد مؤدت و اتحاد منعقد سازد. سولا در جریان این نشست، موفق

1. Lucius Cornelius Sulla.

شد عهدنامه دوستی را به امضا برساند. با وجود این سولا در جریان مذاکره تکبر و غرور بسیار از خود نشان داد و با نشان دادن اورباز/هورباز در کنار آریوبرزن اول، پادشاه کاپادوکیه که دست نشاندۀ رومیان بود، او را تحقیر کرد. این تحقیر چنان بر مهرداد دوم گران آمد که اورباز پس از بازگشت به ایران به جرم آن که شأن و منزلت شاهنشاهی اشکانی را حفظ نکرده است، به قتل رسید (وکیلی، ۱۳۹۳: ۶۲۱). محتمل است هدف مهرداد از گسیل این سفیر نه تنها اتحاد و مودت بوده بلکه مطلع شدن از مقاصد رومیان در مورد سوریه بوده است (گوتشمید، ۲۵۳۶: ۱۳۲). حاصل ملاقات سفیر مهرداد دوم و سولا را شاید بتوان در این مطلب خلاصه کرد؛ این مذاکرات برای اولین بار وضعیت ارمنستان بین روم و امپراتوری اشکانی را مشخص کرد. (Rezakhani, 6/04/2018, 17:30) از آن جا که عقد قرار داد ایران و روم در زمان مهرداد به مشخص شدن فرات به عنوان مرز ایران و روم ختم گردید؛ اما باید فعالیت‌های دیپلماتیک روم را بیشتر به چشم اموری تاکتیکی نگریست تا مصالحه‌ای دائمی. زیرا رومیان هرگز خواهان پذیرش این مسأله نبودند که قدرت دیگری در کنار آنان خودنمایی کند. بنابراین بارها رومیان سعی نمودند از فرات عبور کنند (انگلبرت، دیگناس، ۱۳۸۶، ۲). در دوران پادشاهی مهرداد دوم تنها روابط دیپلماتیک اشکانیان با امپراتوری روم ختم نمی‌شد. در این زمان طبق اسناد و منابع چینی، پادشاه چین نماینده خود را به ایران فرستاد که از این نماینده در ایران استقبال زیادی به عمل آمد. در پی این مناسبات دیپلماسی بود که از آن زمان جاده ابریشم به صورت راه ارتباطی درآمد. و سفیر ایران همراه با تعدادی از هدایا از جمله چند تخم شترمرغ و تعدادی جادوگر و شعبده‌باز به چین رفتند (لوهویی‌مین، ۱۳۵۴: ۱۷۹؛ ویسپهوفر، ۱۳۹۲: ۵۴۴).

سیاست مهرداد دوم در مورد سکاها که در زمان فرهاد دوم و اردوان یکم تهاجم خود را به ایران آغاز کرده بودند، پذیرفتن حضور آنان در ایران بود. «شاید مهرداد مجبور شد در عوض قبولاندن حاکمیت اشکانیان شرایط سکاها را بپذیرد. یکی از این شرایط اعطای حق ویژه اعضای خاندان سورن در تاجگذاری بر سر شاهان اشکانی بود. در مقابل سکاها متعهد شدند به شاهان پارت کمک نظامی کنند به شرط آن که فرماندهی سپاه از خاندان سورن باشد (ولسکی، ۱۳۸۴: ۱۰۳). قدرت‌های شرق و شمال شاهنشاهی اشکانی همواره از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند. از آن جا که این قسمت از شاهنشاهی همیشه با تهاجم اقوام مهاجم روبرو بوده است شاهان اشکانی ناچار بودند برای ایجاد امنیت در این مناطق گاهی امتیازاتی را به این اقوام بدهند. با این حال در برخی موارد، قدرت نظامی به تنهایی نمی‌توانست موفقیت اشکانیان را ضمانت کند و مذاکراتی مانند اعطای امتیاز انحصاری

مالکیت نیاز بود. در مورد سکاها در کنار قدرت نظامی، مذاکرات اعطای ملک در استان درنجیانا (سکیستان) ضروری بود. مورد مشابه دیگری، به مهاجمین کوشانی در قرن اول ق.م برمی‌گردد که با مذاکراتی همراه با اعطای امتیاز مالکیت اداره شدند. با در نظر گرفتن ثبات مرزی و منطقه‌ای اشکانیان، دیپلماسی اشکانیان در زمینه ارتباط با سکاها به نظر می‌رسد موفقیت‌آمیز بوده است (Rezakhani, 6/04/2018, 17:30).

پس از مرگ مهرداد دوم و روی کار آمدن فرهاد سوم، فرمانروایی اشکانی دچار بحران گردید. نکته حائز اهمیت در دوران پادشاهی فرهاد سوم ارتباط با روم بود که در این زمان وارد آسیای صغیر شده بود. پس از این که پمپه، امپراتور روم با تیگران پادشاه ارمنستان و مهرداد پونتی درگیر شده بود، وی سفیری به نزد پادشاه اشکانی فرستاد و با بیان این که پس از سرکوب این دو، قلمروهای آدیابنه و کردوئنه را در اختیار شاه اشکانی قرار می‌دهد، وی را اتحاد با مهرداد پادشاه پونت بر حذر داشت. اما باید گفت علی‌رغم توافق صورت گرفته میان ایران و روم، امپراتور روم به وعده خود وفا نکرد و پس از این که فرهاد سوم ایالت کردوئنه را تسخیر کرد، سپاهیان اشکانی به دست رومیان از آن جا رانده شدند و معاهده پیشین را عملاً باطل نمود (گوتشمید، ۱۳۷۹: ۱۱۰؛ ورستاندیک، ۱۳۸۶: ۱۶۷-۱۶۸). باید اذعان داشت که شاهنشاهی اشکانی از قرن اول قبل از میلاد درست هنگامی که رومیان سرزمین‌های آسیای صغیر را تصرف و منافع مهمی در یونان آن روز به دست آورده بودند، تبدیل به سیاست اصلی رومیان گردید. در واقع کنترل شرق و تهدید اشکانی به یکی از سیاست‌های رومیان تبدیل شد. اقداماتی در دوران مهرداد اول پایه‌گذاری شد که در دوره‌ی مهرداد دوم به اوج خود رسید.

در زمان پادشاهی ارد او نیز به مانند پادشاهان قبل از خود و حتی دولت‌های پیشین (ماد و هخامنشی)، سفیری نزد کراسوس فرستاد زیرا او نیز به تسامح و مدارا عمل می‌کرد. در بهار ۵۳ ق.م سفیری نزد کراسوس فرستاد و به او چنین پیغام داد: اگر کراسوس از طرف سنا یا پادشاه آنان سر جنگ دارد پس باید منتظر جنگ خانمان سوز و سختی باشد و اما اگر کراسوس برخلاف رأی و اراده همشهریانش درصدد جنگ با پارت است شاه به احترام سن زیادش بر او رحم و تفقد می‌کند و اجازه می‌دهد که جان خود و افرادی را به سلامت ببرد. کراسوس متهورانه گفت: پیام شاه را در سلوکیه خواهم داد. سفیر ایران خنده بسیار کرد و کف دستش را پیش برد و گفت: اگر در کف دست من مویی دیدی، شهر سلوکیه را نیز خواهی دید.» (پلوتارک، ۱۳۷۷: ج ۳، بند ۳۵، ۸۰). در زمان جنگ داخلی

میان سلطنت‌طلبان و جمهوری‌خواهان روم، پادشاه ایرانی تمایل داشت جمهوری‌خواهان پیروز این جنگ باشند. «زیرا قدرت سلطنت‌طلبان بیشتر بود و نیرومندتر بودند. منازعات داخلی روم را برای مدتی سرگرم مشکلات داخلی می‌کرد زیرا ارد می‌دانست که اگر رومیان به مشاغل داخلی گرفتار نباشند، مرزی برای جهان‌گیری آنان قرار ندارد. هواخواهان جمهوری (یا آزادکنندگان) کسانی بودند که موجب قتل قیصر شده بودند. زنده ماندن قیصر مشکلات فراوانی برای دولت پارت در پی می‌آورد.» (هوار، ۱۳۶۳: ۱۰۷)

در زمان زمامداری فرهاد چهارم، رومیان حملات خود را به ایران آغاز کردند. اگرچه فرهاد رومیان را شکست داده بود اما مشکلات داخلی او را وادار به سازش با رومیان کرد. اختلافات تیرداد برادر فرهاد مشکلات فرهاد چهارم را افزون‌تر نمود. تیرداد با گروگان گرفتن پسر کوچک فرهاد به سوریه گریخت که رومیان در آن‌جا به وی پناهندگی دادند. شاهنشاه پارت به اکتاویانوس روی آورد و تلاش کرد وی را متقاعد کند که تیرداد را به او تحویل دهد و پسرش را نیز پس بگیرد اما رومیان تحویل تیرداد را نپذیرفتند. به دنبال این درخواست اگوستوس استراتژی جدیدی را برای مقابله با اشکانیان طراحی کرد. وی با درک و آگاهی از قدرت نظامی اشکانیان و به جای هدر دادن نیروهای رومی در کارزارهای فاجعه‌باری مانند کراسوس و مارک آنتوان، قصد داشت با استفاده از روش دیپلماتیک اشکانیان را از مداخله در ارمنستان و دعاوی آن‌ها در سوریه منصرف کند (Cambel, 1993: 23). از این رو اوگوستوس بازگشت پسر فرهاد چهارم را منوط به استرداد اسیران رومی جنگ‌های آنتیونیوس و کراسوس و همچنین درفش‌های به غنیمت گرفته شده در پیکار کرهه دانستند (شپیمان، ۱۳۸۴: ۵۳). سرانجام این دیپلماسی در سطح بالایی میان گایوس فرمانده رومی و فرهاد چهارم انجام گرفت و منجر به پیمانی گردید و فرات مرز میان دو کشور شد به دنبال این معاهده سوریه تبدیل به پایگاه نظامی رومیان برای مقابله با نفوذ اشکانیان گردید. باید اذعان داشت که این معاهده چیزی جز دیپلماسی قوی و ماهر امپراتوری روم نبود که توانست اشکانیان را وادار به قبول آن نماید (Ferguson, 2005: 11-12). به هر حال در پی این معاهده فرهاد پذیرفت در قبال استرداد شاهزاده‌ی ربوده شده و جلوگیری بی‌هزینه از زیان احتمال تهاجم دیگر رومیان، اساس صلحی نسبتاً پایدار، یعنی (صلح رومی) را پایه‌گذاری نماید (یارشاطر، ۱۳۸۷: ۱۶۷). آن‌چه که برجسته است این است که اگوستوس این پیروزی دیپلماسی را در سال ۲۰ ق.م به عنوان یک پیروزی نظامی بر ضد اشکانیان به تصویر کشید (Overtoom, 2017: 15). در پی این اقدام شهروندان رومی از این



موفقیت بزرگ شادمانه استقبال کردند، زیرا که اوگوستوس از راه دیپلماسی عزت روم را از نو احیا کرد، عملی که با برپا کردن طاق‌های نصرت در روم و ضرب سکه در سراسر امپراتوری جشن گرفته شد. (فرخ، ۱۳۹۰: ۲۶۴).

دیری نگذشت که اوگوستوس که به دنبال سیاست تضعیف اشکانیان، کنیزکی ایتالیایی به نام موزا را به عنوان هدیه برای فرهاد پادشاه پارت ارسال کرد. این که آیا او در باطن جاسوس رومی‌ها بوده یعنی او را وسیله کسب اخبار در داخله پارت قرار داده بودند، یا آن که واقعاً به منظور آن بوده که وی بر شاهنشاه اشکانی تسلط قلبی یافته و او را تحت نفوذ خود در آورد، معلوم نیست (دوبواز، ۱۳۴۲: ۱۲۱). به هر حال باید پذیرفت آمدن موزا عواقب تلخی برای فرهاد داشت حضور موزا در ایران دخالت‌های رومیان را افزایش داد و برای مدتی دربار ایران را دچار آشفتگی کرد. می‌توان گفت این دیپلماسی ضعیف اشکانیان در ارتباط با روم، آغازگر حرکت ماشین تبلیغات هنری رومیان شد. چنان که این کامیابی دیپلماسی را مانند پیروزی جنگی بر پارتیان جشن گرفتند. این واقعه نه تنها توسط مورخان به قلم درآمد، بلکه در مسکوکات رومی نیز به آن پرداخته شده است (شیپمان، ۱۳۸۴: ۵۴). طاق نصرتی به مناسبت چیرگی بر اشکانیان برافراشته شد و معبد مارس اولتر را برای نگهداری آن بیرق‌ها بنا نمودند. این واقعه یکی از برجسته‌ترین وقایع سیاسی امپراتوری روم شد (بروسیوس، ۱۳۸۸: ۱۸۱).

از زمان فرهادک (فرهاد پنجم) و پس از آن پادشاهانی که اخلاق رومی داشتند به دلیل زندگی در روم مشکلاتی در سیاست پادشاهان پارت پیش آمد. موزا فرهاد چهارم را متقاعد کرد که تصمیم مهمی را اتخاذ کند. آن تصمیم این بود که برای آن که مبادا چهار پسر بزرگترش به همان سرنوشتی دچار شوند که خود او بر سر برادرانش آورده بود، آن‌ها را با زنان و فرزندانشان نزد حاکم سوریه فرستاد تا بتوانند به عنوان افراد عادی در امپراتوری روم در امنیت زندگی کنند (ولسکی، ۱۳۸۴: ۱۶۶). ظاهراً پس از مرگ فرهاد چهارم توافقات دیپلماتیکی بین فرهادک و امپراتور روم منعقد شد که در آن امپراتور روم، تعهد کرد که در صورتی که برادران او در روم نگهداری شوند از دخالت در امور ارمنستان خودداری کند، با این شرط موافقت کرد (Dio Casious, 1917: 414). به هر حال این شاهزادگانی اشکانی که به دربار روم فرستاده شدند، مقدر بود که نقش مهمی در مناسبات شاهنشاهی اشکانی و رومیان رقم زنند. به گونه‌ای که هر زمانی شاه اشکانی مورد توافق بزرگان و اشراف نبود، از روم تقاضای فرستادن یکی از آن‌ها را برای نشانیدن بر مسند قدرت می‌کردند که این امر دخالت

امپراتوری روم را در مسائل پادشاهی و جانشینی اشکانیان میسر می‌نمود. از این رو دیری نگذشت که به دنبال سیاست‌های فرهادک بزرگان اشکانی از روم تقاضای ونون شاهزاده پناهنده اشکانی در روم شدند که این نیز پس از مدت کوتاهی برکنار و در ارمنستان به قتل رسید. با روی کار آمدن اردوان دوم مناسبات دیپلماتیک اشکانیان و رومیان شکل جدیدی به خود گرفت و بعضاً میان این دو قدرت نیز نبردی اتفاق می‌افتاد. نکته قابل توجه در این زمان این است که پادشاه اشکانی بلافاصله در و در پی منازعاتی که در ارمنستان رقم خورده بود، طی نامه‌ای به تیبیریوس، امپراتور روم، خواستار استرداد سرزمین‌هایی شد که در گذشته به نیاکان وی متعلق بوده است (Tacitus, 1902: 6). اما این تهدید راه به جایی نبرد و مجلس مهستان و شورای اشراف سلطنتی اشکانی وی را از قدرت برکنار کردند. اردوان پس از این که دوباره به قدرت رسید و از آنجایی که می‌دید حمایت بزرگان اشکانی را ندارد، به ایجاد روابط دیپلماسی با روم روی آورد و برای نشان دادن حسن نیت خود و تضمین بر هم زدن معاهده، فرزند خود داریوش را به روم فرستاد و فرات مرز میان دو کشور شد (بیوار، ۱۳۸۳: ۱۷۴-۱۷۵). بدین گونه بار دیگر دیپلماسی دوران اوگوستوس در تقابل با اشکانیان به پیروزی رسید (Cambel, 1993: 25).

### دیپلماسی اشکانیان در دوران بلاش یکم و جانشینانش

بلاش یکم پس از این که به قدرت رسید، توانست دولت پارتیان را یکبار دیگر قدرتمند سازد. در زمان حکومت بلاش یکم، ارمنستان که زیر نفوذ پارتیان قرار داشت منطقه مورد اختلاف پارتیان و رومیان گردید. رومیان که خواهان تسلط بر ارمنستان بودند با مقاومت بلاش روبرو شدند. از سویی بلاش خواهان جنگ با رومیان نبود اما تمایلی هم نداشت که ارمنستان را کاملاً از دست دهد. وی سیاستی را در پیش گرفت که حاکم ارمنستان از خاندان پارت باشد اما تاج پادشاهی را از دستان امپراتور روم دریافت کند. اما دولت روم نپذیرفت و کوربولو را به سمت ایران فرستاد. کوربولو، سردار کاردیده رومی و فرمانده نیروهای رومی مستقر در مرز ارمنستان پیام‌هایی به بلاش فرستاد و از او خواست که صلح میان دو دولت را نگه دارد و مثل گذشته گروگان به روم بفرستد (یارشاطر، ۱۳۸۷: ۱۸۰). این رسم گروگان از زمان فرهاد چهارم در خاندان پارتی مرسوم شد. هم‌چنان که تا زمان

اردوان دوم و صلح او با رومیان پارتیان گروگان به دولت روم فرستادند. اما بلاش یکم نپذیرفت و پس از کوربولو و در زمان حمله پانتوس، سردار رومی، بلاش توانست اقتدار پارتیان را یکبار دیگر به رومیان نشان دهد. اگر چه سفیرانی که توسط بلاش به دربار روم در زمان حملات کوربولو فرستاده شده بودند به نتیجه‌ای مطلوب نرسیدند، اما پس از شکست پانتوس از بلاش، وی وارد مذاکره با اشکانیان شد. شرایطی که ایرانیان بر رومیان تحمیل کردند بسیار سخت و دشوار بود و در عوض اشکانیان به کامیابی عظیمی دست یافته بودند. شاه پارت به شرطی حاضر به برداشتن محاصره شد که سپاهیان روم از ارمنستان عقب بنشینند و تمام استحکامات و تدارکات و منابع دیگر خود را به ایرانیان تحویل دهند. سرانجام قرار شد تیرداد شخصاً به روم برود و تاج ارمنستان را از دست نرون دریافت کند (ولسکی، ۱۳۸۴: ۱۸۸-۱۸۹). بنابراین در پی این دیپلماسی بلاش یکم توانست به بحران جانشینی در ارمنستان خاتمه دهد و این معاهده که به واسطه دیپلماسی خوبی که پادشاه اشکانی در برخورد با روم داشت تا زمان سلطنت تراژان و لشکرکشی وی به ایران در زمان خسرو اشکانی دوام آورد. می‌توان گفت این مسئله نشان دهنده دیپلماسی نیرومند دوران اگوستوس بود که به مدت یک قرن دوام آورد که نشان داد با روابط دیپلماسی می‌توان به اهداف مهمی دست یافت (Cambel, 2005: 28). در واقع پس از این دیپلماسی قوی بلاش یکم بود که روم از تحمیل اراده‌ی خود ناتوان شد و ای بسا که رومیان از اهمیت پیوندهای بومی و زناشویی در میان خاندان‌های امیران و شاهزادگان در مشرق نزدیک غافل شدند (فرای، ۱۳۸۰: ۳۸۶).

پس از بلاش یکم و روی کار آمدن پاکور دوم مناسبات دیپلماتیک ایران با چین اهمیت پیدا کرد. برای شاهنشاه اشکانی مسئله‌ای که حیاتی و دارای اهمیتی فوق‌العاده بود، ممانعت از ایجاد روابط دیپلماتیک دو جانبه‌ای بین دو کشور روم و چین بود. در صورت چنین اتفاقی این خطر حس می‌شد که در پرتو منابع فوق‌العاده و نامحدودی که دو دولت از آن برخوردار بودند، توافق و همکاری مستقیمی بین رومی‌ها و چینی‌ها صورت گیرد و بازرگانان اشکانی را از تجارت در مسیر طولانی بین شرق و غرب بازدارد. بدین صورت در دوره امپراتوری وو<sup>۱</sup> در سال ۸۷ قراردادی میان شاه اشکانی و امپراتور چین منعقد شد و پاکور دوم هدایایی برای حاکم چینی فرستاد که در میان آن‌ها شیرها و پرندگانی از خاراکس بودند (گرگوراتی، ۱۳۹۵: ۷۵). در ادامه باید متذکر شد که تجارت و بازرگانی ثروت هنگفتی نصیب اشکانیان کرده بود و این ثروت، رفاه و قدرت پارتیان را دو چندان نمود. آنان به

1. Wo.

خوبی توانسته بودند موقعیت استراتژیک رابط میان شرق و غرب را به سود خود مدیریت نمایند. ظاهراً رونق بازرگانی و فراوانی پول به قدرتمندان اشکانی امکان داده است که دستگاه‌های اداری مفصل و سپاهیان عظیم مورد نیاز واحدهای بزرگ سیاسی را فراهم آورند (عنایت، ۱۳۷۸: ۶۲).

در زمان پادشاهی خسرو، باز هم ارمنستان شعله‌های آتش جنگ را میان روم و پارت برافروخت. به سبب آن که خسرو بدون مشورت با روم پادشاه ارمنستان را تغییر داده بود، رومیان به خشم آمده بودند و تریانوس (تراژان) به پارت یورش آورد. در این لشکرکشی تیسفون بدون مقاومت در برابر تریانوس تسلیم گردید. خسرو پادشاه پارت پیش از ورود دشمن از شهر گریخت و رومیان نه تنها موفق گردیدند بر تخت زرین او دست یابند، بلکه دختر او را نیز در میان اسرا یافتند (بارشاطر، ۱۳۸۷: ۱۸۹). در اینجا سیاست‌های دفاعی و تاکتیک‌های نظامی ارشک بنیانگذار دولت اشکانی، از سوی پادشاهان اشکانی بار دیگر مورد استفاده قرار گرفت. خسرو آن زمان که شرایط را مساعد دید در بسیاری از سرزمین‌های تسخیر شده به دست رومیان ضد حملات خود را آغاز کرد. می‌توان فرض کرد که واگذاری بدون نبرد سرزمین‌های وسیعی در آسیای غربی به رومیان جزئی از نقشه‌ای بوده تا تریانوس را به عمق کشور پارت بکشانند و آنان را قاطعانه تار و مار کنند، سازمان جاسوسی کارآمد پارتیان نقش تعیین کننده‌ای در این عملیات داشت (ولسکی، ۱۳۸۴: ۲۰۲). به هر حال پس از مرگ تراژان و روی کار آمدن امپراتور هادریان، سیاست دیپلماسی دوباره میان ایران اشکانی و روم آغاز شد. هادریان که می‌دید در همه جا سرزمین‌ها سر به شورش درآورده بودند و خطر مهمی برای لژیون‌های رومی به شمار می‌رفتند، تصمیم گرفت وارد مذاکره با اشکانیان شود. از این رو پس از تبادل سفرایی میان دو کشور، هادریان سیاست بازگشت به وضع پیشین را در پیش گرفت و دستور داد متصرفات جدید به اشکانیان بازگردانده شود. علت این تصمیم این بود که روم منبع کافی برای ادامه جنگ در شرق نداشت (بروسیوس، ۱۳۸۸: ۱۳۸) و از دیگر سوی می‌توان به نقش و اهمیت دیپلماتیک اشکانیان اشاره نمود که توانستند با بسیج سپاهیان و لشکریان در همه نقاط قلمرو اشکانی، از جمله بین‌النهرین، یهودیان ساکن این منطقه و اورشلیم و از جمله اعراب الحضر و هاترا را به نبرد علیه روم ترغیب نمایند.

نمودهای بارز دیپلماسی و روابط سیاسی در اواخر این دوره به وضوح قابل مشاهده است. در این زمان به دلیل ضعف شاهنشاهی اشکانی امپراتور روم، کاراکالا، در پی برانداختن جنگی علیه علیه

اشکانیان برآمد. وی در ابتدا با فرستادن سفیری به نزد بلاش ششم، خواستار استرداد دو پناهنده فراری به نام تیرداد و آنتیوخوس شد، که هر دوی آن‌ها به روم بازگردانده شدند. اما دیری نگذشت که کاراکالا در پی بهانه‌ای سفیری دیگر به نزد اردوان چهارم، آخرین پادشاه اشکانی، فرستاد و خواستار ازدواج با دختر پادشاه اشکانی در جهت تحکیم روابط میان دو کشور برآمد. نکته قابل توجه در این دیپلماسی اشاراتی بود که اردوان مؤدبانه درخواست وی را به بهانه متفاوت بودن زبان و فرهنگ رد کرد، که این امر دوباره اصرار کاراکالا را به دنبال داشت و در پی آن دوباره سفیری به نزد اردوان فرستاد و وی را متقاعد نمود (پیرنیا، ۱۳۹۲: ۱۸۳). مسئله‌ای که با آمدن کاراکالا به بین‌النهرین و لشکرکشی علیه اشکانیان منجر شد و کاراکالا در بحبویه جنگ کشته و "نبرد نصیبین" با امپراتور روم، ماکرینوس رقم خورد. ماکرینوس دیری نگذشت که درصدد صلح با اشکانیان برآمد (پیگولوسکیا، ۱۳۸۷: ۱۲۳-۱۲۴). از این رو با این هدف گروگان‌ها و اسرای جنگی ایران را برای اردوان بازپس فرستاد، که البته اردوان طبق معمول سیاست دولت اشکانی به برکت سرویس جاسوسی کاملاً سازمان یافته خود از وضع حاکم بر اردوی رومیان آگاه بود. بنابراین در برابر پیشنهاد روم برای امضای پیمان صلح شرایط دشواری پیش نهاد که عبارت بودند از: بازسازی شهرها و دژها توسط رومیان و عقب نشینی از بین‌النهرین و پرداخت خسارت به خاطر تخریب مقابر سلطنتی اربیل که رومیان به آن بی حرمتی کرده بودند. اما ماکرینوس نپذیرفت پس جنگ آغاز شد و رومیان شکست خوردند و به ناچار تمام شرایط اردوان را پذیرفتند (ولسکی، ۱۳۸۴: ۲۱۵). در واقع شاهنشاهی اشکانی، با تمام مشکلات داخلی و خارجی همواره چون سدی محکم در برابر رومیان برای رسیدن به اهدافشان قرار داشت (علی‌محمدی، ۱۳۷۸: ۱۱۴).

## نتیجه

اشکانیان تمام تلاش خود را نمودند تا راه تجاری را بدست گیرند و نقش واسطه میان دو دولت چین و امپراتوری روم که رقیب اشکانیان نیز به حساب می‌آمد را با برنامه‌ها و هدف‌های خاصی بدست گیرند. بنابراین، به دنبال نوعی دیپلماسی بودند که از جنگ بپرهیزند و بیشتر به توسعه اقتصاد و امنیت راه تجاری و نقش واسطه‌گری شرق و غرب بپردازند. از دیگر اهداف مهم اشکانیان دفاع از مرزهای شرقی و غربی خود بود. در مرزهای غربی برای جلوگیری از نفوذ رومیان همواره از اقوام یهود و اعراب سود می‌جستند. اشکانیان قدرت فراوانی در دفاع داشتند و همیشه در جنگ با رومیان مدافعان خوبی بودند، اما شاهان اشکانی در جنگ‌های تعارضی چندان موفقیت بدست نمی‌آوردند. سیاست اشکانیان در شرق و غرب دولت اشکانی متفاوت بود. در شرق اشکانیان سعی نمودند با دادن امتیازاتی به مانند اعطای مالکیت، شرایط را آرام و حتی از قدرت نظامی آنان در ارتش خود استفاده نمایند. در عین حال سیاست آنان در غرب دفاع از تمامیت ارضی قلمرو اشکانی در برابر رومیان بود و تمام تلاششان را نمودند تا فرات را مرز ایران و روم نگه دارند. بنابر دلایلی از جمله توانایی پادشاهان و مشکلات داخلی پارت و مشکلات داخلی روم، سیاست پادشاهان پارت در برابر رومیان متفاوت بود. با وجود این، هدف همه پادشاهان اشکانی، تامین امنیت جاده تجاری ابریشم و حفظ نقش واسطه‌گری ایران میان روم و چین بود. دولت قدرتمند پارت هرگز به رومیان اجازه نداد که مستقیم با چین معاملات تجاری داشته باشند. دولت قدرتمند اشکانی توسط حریفی از سرزمین ایران سقوط کرد. با این حال، جنگ‌های ایران و روم برای تسلط بر شاهراه تجاری ابریشم پایان نیافت و میراثی شد برای دولت ساسانیان.

دیپلماسی در ایران دوره اشکانی، مواردی نظیر جنگ، صلح و مذاکره را در بر می‌گرفت. در زمینه نظامی، تاکتیک تعقیب و گریز که توسط پادشاهان دولت اشکانی به صورت اصلی مهم در جنگ‌ها اعمال می‌شد، سیاست خاص دولت اشکانی بوده است که در اکثر مواقع پادشاهان و فرماندهان نظامی را به هدف خود رسانیده است. تلاش مستمر دولت‌مردان اشکانی برای حفظ فرات به عنوان مرز میان ایران و روم در نواحی غربی، دیپلماسی بکار برده شده توسط اشکانیان را حائز اهمیت قرارداده است. تسلط بر راه‌ها و رسیدن به دریای مدیترانه، دست یافتن به پایگاه‌های بزرگ تجاری که آسیای صغیر را در بر می‌گرفت، واسطه‌گری تجاری میان شرق و غرب، خواست دولت

اشکانی بود و برای رسیدن به این خواسته گاهی دیپلماسی و برقراری روابط و گاهی جنگ را به کار می‌بستند. اعطای امتیازات از جمله اعطای ملک نیز گاهی برای ایجاد امنیت به ویژه در مناطق شرقی سرزمین ایران توسط اشکانیان اعمال می‌گردید. استفاده از نیروهای جنگی اقوام ساکن در شرق در قالب مزدور که از زمان هخامنشیان در ایران مرسوم بود نیز توسط اشکانیان نیز تداوم یافت. بدین گونه می‌توان ادعان داشت که شاهنشاهان اشکانی در برخوردهای نظامی با دولت‌های آن روز در ابتدا سعی می‌کردند با استفاده از ابزار دیپلماسی به مقاصد خود برسند و بعد از آن اگر از این طریق خواست آن‌ها مورد قبول واقع نمی‌شد، به جنگ متوسل می‌شدند. مسئله‌ای که در نبردهای کراسوس، مارک آنتوان و اواخر این سلسله، منازعات با کاراکالا به وضوح قابل مشاهده است.



## کتابنامه

- آذری، علاالدین، (۱۳۷۷)، تاریخ روابط ایران و چین، تهران، امیرکبیر.
- ارگانسکی، ای.اف.ک. (۱۳۴۸)، **سیاست جهان**، حسین فرهودی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب. بهار، مهرداد (۱۳۷۶)، از اسطوره تا تاریخ، تهران، چشمه.
- پلوتارک. (۱۳۷۷)، **حیات مردان نامی**، رضا مشایخی، ج ۳، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پیرنیا، حسن (مشیرالدوله) (۱۳۷۵)، تاریخ ایران باستان یا تاریخ مفصل ایران قدیم، جلد ۲ و ۳، تهران، دنیای کتاب.
- جو- جه- چین (۱۳۶۵)، روابط تاریخی میان ایران و چین، محمود افشار، ج ۲، شماره ۱۹، تهران، صص ۸۴۶-۸۰۶.
- دیبری، محمدرضا. (۱۳۷۴). **دیپلماسی کاربردی و رویه‌های دیپلماتیک**، تهران: نشر وزارت امور خارجه.
- دوبواز، نیلسون. (۱۳۴۲). **تاریخ سیاسی پارت(اشکانیان)**، علی اصغر حکمت، تهران: ابن سینا.
- دیاکونف، م. م. (۱۳۷۸)، **اشکانیان**، کریم کشاورز، تهران: پیام.
- ذوالعین، پرویز. (۱۳۸۶)، **مبانی حقوق بین الملل عمومی**، تهران: وزارت امور خارجه.
- سیدسجادی، سیدمنصور (۱۳۸۳)، **مرو بازسازی جغرافیای تاریخی یک شهر بر پایه نوشته تاریخی و شواهد باستانشناسی**، تهران، سازمان میراث فرهنگی.
- شپیمان، کلاووس. (۱۳۸۴)، **مبانی تاریخ پارتیان، هوشنگ صادقی**، تهران: فرزانه.
- عنایت، حمید. (۱۳۷۸)، **نهادهای و اندیشه‌های سیاسی در ایران و اسلام**، با تصحیح و مقدمه صادق زیباکلام، تهران: روزنه.
- فرزین‌فر، لاله (۱۳۸۴)، **مناسبات ایران و آسیای مرکزی در عصر امپراتوری اشکانیان**، پاییز و زمستان، شماره ۲۴ و ۲۵، صص ۷۸-۸۶
- کلی، جان موریس. (۱۳۸۲)، **تاریخ مختصر تئوری حقوق در غرب**، محمد راسخ، تهران: طرح نو.
- کالج، مالکوم. (۱۳۶۷)، **تاریخ اجتماعی پارتیان**، مسعود رجب نیا، تهران: دنیای کتاب.
- گرشویچ، ایلیا. (۱۳۹۱)، **تاریخ ایران، کمبریج، (هخامنشیان)**، مرتضی ناقب‌فر، تهران: جامی.
- گوتشمید، آلفرد فن. (۲۵۳۶). **تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان**، کیکاووسی جهاننداری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.



- ماله، آلبر، دیزاک، ژول (۱۳۴۳)، تاریخ روم، غلام حسین زیرکزاده، تهران، ابنسینا.
- محمدی، حسین (۱۳۹۵)، روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران و هند در عصر پارتیان، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۸، شماره ۲۷، تابستان، صص ۱۰۳-۱۲۴.
- محمودآبادی، اصغر. (۱۳۸۳)، **دیپلماسی هخامنشی از ماراتن تا گرانیک**، تهران: مینو.
- محمودآبادی، اصغر. (۱۳۹۳)، **ساختار مثلث یونانیان، اشکانیان و رومیان در ایران زمین**، اصفهان: نهضت.
- مشکور، محمد جواد. (بی‌تا)، **تاریخ نظامی ایران (جنگ‌های دوره اشکانی)**، تهران: ستاد بزرگ ارتشداران تاریخ و آرشیو نظامی.
- معیری، هایده (۱۳۶۹)، مرو کهن و مرو تاریخی، شماره ۶ و ۷، مجله تحقیقات تاریخی.
- منتسکیو. (۱۳۶۲)، **روح‌القوانین**، علی‌اکبر، مهتدی، تهران: امیرکبیر.
- مهمید، محمدعلی. (۱۳۶۱)، **پژوهشی در تاریخ دیپلماسی ایران**، تهران: میترا.
- میرزاصالح، احمد. (۱۳۵۶)، **مقدمه‌ای بر تاریخ دیپلماسی**، ج اول، تهران: دانشگاه ملی.
- نقیب‌زاده، احمد. (۱۳۸۱)، **تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران: وزارت امور خارجه.
- واتسون، آدام. (۱۳۸۵)، **دیپلماسی (گفتگوی میان دولت‌ها)**، سید داود آقایی، لیلی گل‌افشان، تهران: نسل نیکان.
- ولسکی، یوزف. (۱۳۸۴)، **شاهنشاهی اشکانی**، مرتضی ثاقب فر، تهران: ققنوس.
- وینسنت، اندر. (۱۳۷۶)، **نظریه‌های دولت**، حسین بشریه، تهران: نشر نی.
- هوار، کلمان. (۱۳۶۳)، **ایران و تمدن ایران**، حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- یارشاطر، احسان. (۱۳۸۷)، **تاریخ ایران، کمبریج، (از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان)**، ج ۳، تهران: امیرکبیر.

## مقالات

- جلیلیان، شهرام. (۱۳۸۳)، **روابط ماد و لیدی**، رشد آموزشی تاریخ، تابستان، شماره ۱۵، از ۱۸ تا ۲۳.
- علی محمدی، نعمت‌الله. (۱۳۸۷)، **اوج قدرت ایران در عصر اشکانی**، بهار، شماره ۱۳، از ۱۰۲ تا ۱۱۹.

مدیرشانه‌چی، محسن، محمدی‌خستی، حسن. (۱۳۹۰)، « سیاست خارجی ایران در دوران هخامنشیان»، **سیاست**، بهار، شماره ۱۷، علمی-پژوهشی، از ۲۲۹ تا ۲۵۰.

### منابع لاتین

- 1- Dehkan, «the relationslup of kushan and parthian Empire» **Central Asia in the Kushan Period, UNESCO, 1986, vol. 1, pp. 279-280.**
- 2- Gregoratti, L(2012). **The Parthians between Rome and China, Akademisk, Vol 4, p. 115**
- 3- Rezakhani, Kh(2018). **History and Culture of Iran, The History page, The Arsacid Empire, [www.Ironologie.com](http://www.Ironologie.com), June 4, 17:35**



## The Study of the Characteristics of Diplomacy during the Parthian Period

Afsaneh Moatamed/Ahmad Kamrani far/Naser Jadidi

### Abstract

After the Parthian dynasty came to power in 247 BC, Iran's relations with its neighbors and governments of that day took on a new form. At the same time, this fledgling government began to establish extensive struggles and conflicts to gain control of Iran's borders and territory with the invading tribes, the Seleucid government, and the Roman Empire. It must be acknowledged that the kings of this dynasty not only paid attention to military disputes and conflicts, but also used the tools and methods of diplomacy in relation to those states. The Parthians achieved various successes by using diplomacy to maintain their political borders and gain economic and political privileges. This research uses the method of historical study based on the collection of historical documents to seek to answer the question of how Parthian imperial diplomacy was based on some components? And what role and place has it played in the political and economic approaches of this dynasty? The approach of this research is that the Parthians maintained their territorial integrity by means such as negotiating through their ambassadors and concluding political and economic treaties, and were able to equip the IRGC and continue their strategic battles with the rich profits from trade.

**Keywords:** Political Diplomacy, Commercial Diplomacy, Parthian, Military Tactics.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی